

برگی از زرین برگهای تاریخ

دکتر خانک عشقی صنعتی

در پرتو فرهنگ درخشان و دین باستانی ایران سخن را : بنام خداوند جان و خرد ... و بنام نامی ایران اهورایی آغاز می کنم :

دانشوران و پژوهشگران بویژه باستانشناسان و تاریخ نویسان را همگی باور بر اینست که ایران این سرزمین مهر و اهورا و جایگاه پرورش پاکان و نیکان در باستان زمان و در بخشی از دوران (دو صد سال از ۱۴۰۰ سال تاریخ نوشته شد « مدون » پیش از آغاز تازش تازیان به ایران و ایرانیان) بگواهی فرهنگ درخشان و اندیشه های دینی نیاکان خود که در جهان گسترده و بر تارک فرهنگها و اندیشه های جهان آنروز درخشش و تابش ویژه ای داشته است ، نخستین فرماندار (دولت) جهانی بشمار می رفت که خورآیان (مشرق) کهن را نیز در بر می گرفت و درگاه های پس از آن یکی از ابرنیروهای توانمند آن روزگاران بود که اگر فراگیر (شامل) همه سرزمین های خورآیان کهن (شرق قدیم) نبود یکی از پرتوان ترین و مهند (مهم) ترین فرماندار آن بشمار می رفت .

بایسته یاد آوری است که ایران آن زمان بدنبال پیوند با مصر و یونان در اندیشه بود تا سرزمین های آشور، بابل و ایلام و آسیای میانه را زیر پرچم یگانه در آورد و در پیکار با روم و بیزانس (روم خورآیانی ، شرقی) از سرزمین خود پیدافندگری (دفاع) برخیزد.

ایران زمین

بی گمان آشنایی با فرهنگ و دین راهنما و راستین ایرانی ، دانستن و شناسایی سرزمین های خورآیان کهن و شناخت نخستین فرمدار جهانی آن از بایسته ها و از خویشکاریهای (_ وظایف) هر ایرانی ایرانی است تا با فرهنگ و دین پدران و نیاکان خود در باستان زمان آشنا شود و بداند که سرزمین های خورآیان کهن کدامند ، فرهنگ و اندیشه های دینی بزرگان و نامداران آنان چگونه بوده است که ایران زمانی در برگیرنده همه آنها و در دوره های دیگر یکی از نیرومندترین آنها بوده است .

تاریخ ایران باستان ، بخشی آنهم بخش بزرگ و گسترده ای از تاریخ خورآیان کهن است . این تاریخ در شوند گردش زمانی خود اگر بیش از نیمی از تاریخ و سرگذشت آدمیان نباشد ، کمتر از آن نیست . سنگنبشته ها با دبیره های دیرینه (خطوط قدیمه) . نسکخانه های از میان رفته ، نشانه ها (آثار) و یادمانهای شاهان بزرگ زیر خاک نهفته . هزاران تخته سنگها (لوحه ها) شماره های زیادی از سنگ تراشی (حجاری) های یافته شده و بسیاری از کاپال (اثاث خانه) ها، کالا (متاع) ها در آمیخته (مخلوط) یا چیزها و افزارهای (آلات) دیگر زیست آدمیان درآمده از کاوشگری ها (حفاری) و خاک برداریهای باستانشناسان راهنمای پسندیده و در خور استوانی (اعتمادی) در راه شناخت خورآیان کهن که ایران از پایه های بنیادی آنست برای هر پژوهنده و آمیع پژوهی ، می باشد که بی شناخت آن آشنایی با این یکی آسان و رسا نتواند بود .

بر بنیاد بن مایه و دستمایه ها (اسناد و مدارک) و دیگر ماندمانهای باستانی تاریخی ، فرهنگ و شهریگری (تمدن) این سرزمین ها تا سه

ایران زمین

هزار سال پیش از پیدایش ترسایان (پنجهزارسال تا این زمان) را در بر می گیرد و نیز آشکار شده است که در آبخوست (جزیره) کرت « **Crete** » در دریای مدیترانه چند سده پیش از جنگ ترووا (**Troie**) در خرده آسیا (آسیای صغیر) که آنرا ایلئون و یا پرگام می گفتند و زمینه (موضوع) داستانهای هومر چامه سرای نابینای یونان در شاهکار شناخته شده بنام (ایلیاد) و (ادیسه) بوده است و همچنین کهن ترین مردم ایتالیایی یا (اِتروسک ها) که فرهنگ و شهرمانی شان در فرهنگ و شهریگری رومیان رسوخ و هنایش (اثر) فراوان داشته است ، در بنیاد از خوربران زمین بوده اند. از این دیدگاه آیا برآستی می توان تاریخ سرزمین خورآیان کهن را تاریخ سرزمین های پیشرفته کرانه های دریای مدیترانه (دریای مغرب) نامید و بهمین اندازه بسنده کرد و سرزمین های دیگر خور آیان چون سرزمین پهناور چین با شهرنشینی ویژه خود که از هرپاره با فرهنگ و شهریگری های سرزمین های خورآیان کهن همسانی و همانندی های نزدیکی دارند نادیده گرفت و از آنها جدا و سوا دانست ؟ پرسشی است که تاریخ پاسخ آنرا خواهد داد و بدینسان تاریخ خورآیان کهن یا سرزمین های پیشرفته کرانه های دریای مدیترانه : مصریها ، اکدی ها ، سومریها ، سامی ها ، آسورو کلدی را در بر می گیرد . گرچه پس از آنها از گذشته های مردمی سخن به میان می آید که از شهریگری والایی برخوردار بودند ولی شهریگری آنان نیز کمابیش زیر رسوخ مصری ها یا بابلی ها و یا هردوی آنها قرار داشت . این مردم : سامی های سوریه ، عربستان ، فنیقی ها ، مردمی که در خرده آسیا می زیستند، سیاه پوست های نیمروز (جنوب)

ایران زمین

مصر ، ایلامی ها که نه سامی بودند و نه آریایی و در میان همه اینها کهن ترین و باستانی ترین نمایندگان نژاد آریین ها بویژه مادها و پارسی ها بودند که در میان مردم و سرزمین های خورآیان کهن فرمدار یگانه (دولت واحد) پیکر پذیر و سامان یافته (متشکل) پدید آوردند .

مرز جغرافیایی خورآیان کهن در آن زمان چنین بوده است :

از آسیای میانه ، دریای خزر (کاسپی ین) ، کوههای کافکاز (قفقاز) دریای سیاه تاشاخابه (خلیج) پارس ، عربستان نیمروزی (جنوبی) و دریاچه های افریکایی (افریقایی) ، و از سند تا کوههای تارق (جبل الطارق) .
شهریگری های یونانی و رومی در این مرز کران بسته هرچند پایه اش بر شهریگری های خور آیان کهن استوار بود ولی چون از ویژگی های دیگری برخوردار بودند ، در تاریخ نامی شناخته شده به شهریگری « یونانی و رومی » بخود گرفتند و در آن جایی ندارند.

پس از آنکه پارس ها ، مردم سرزمین خور آیان کهن را زیر فرمدار یگانه (دولت واحد) در آوردند، گرچه با یونانی ها برخورد کردند و با آنان بجنگ پرداختند ولی، هیچگونه دگرگونی در خورآیان کهن پدید نیامد و مردم این سرزمین ها همچنان بزندگی سیاسی و گردش رسایی (سیر تکاملی) خود پایدار بودند ، بسخنی دیگر زیر درفش شاهنشاهی ایران نه سرزمینی از میان رفت و نه فرهنگ ، زبان و شهریگریهای کهن و باستانی نابود گردید ، همه همچنان بروال گذشته خود زندگی می کردند . خور آیان کهن یا گهواره شهریگری های جهانی، سرزمین هایی بوده اند که در کرانه های خور آیانی دریای مدیترانه جای داشتند . این سرزمین های پهناور در دره ها (وادیها)

ایران زمین

، کناره (ساحل) رودهای بزرگ، کویرها، کرانه‌های دریا و آبخوست‌های فراوان قرار داشتند چون: در کنار رود فرات، شهرگیری بابل پدید آمد که از آنجا اندکی دیرتر به آسور و ایلام راه یافت، در کرانه‌های نیل شهرگیری مصر پایگزاری شد و بدینسان شهرگیری‌های بزرگ و باستانی در دره‌های دو رود بزرگ نیل و فرات پدید آمد و از آنجا به سرزمین‌های دیگر راه یافتند. و همین فرهنگ و شهرگیری سرزمین‌های خورآیان کهن (نه شهرگیری بابل و مصر تنها) از خورآیان به خوربران (شرق به غرب) در فرهنگ و شهرمانی یونان و روم و سپس در سرزمین‌های دیگر راه یافت.

دانش آغاز پزشکی و ایاره یا دانش شماره (علم ریاضی) از خورآیان به پژوهشگران و دانشوران و به فرزانشان (فلاسفه) یونانی و اسکندرانی و تازیان رسید و در سده‌های میانه (قرون وسطی) به اروپا راه یافت، الفبا از خورآیان، از راه فنیقی‌ها در خوربران پراکنده شد، سازمانهای کشوری و شیوه‌های فرمانداری خورآیانی‌ها بویژه ایرانی‌ها که نخست به روم و بیزانس (روم شرقی) راه یافت، کیش‌ها (مذاهب) از خورآیان باز هم بویژه از ایران به یونان و روم راه یافت و امپراتوری بزرگ روم را در چنبره خود داشت، همان خورآیانی که ایران شاهنشاهی بر آنان چیرگی داشت. کوتاه سخن آنچه که پژوهشگران و تاریخ‌نویسان و باستان‌شناسان می‌گویند آنست که:

کهنسال‌ترین شهرگیری جهان در سرزمین ایران هستی یافته، گسترش پیدا کرده و بدیگر سرزمین‌ها راه یافته است و دیرینگی (قدمت) آن در برخی از شهرهای ایران پنجهزار سال پیش از پیدایش ترسایان (هفت هزار سال تا این

ایران زمین

زمان (می رسد و همگان را باور بر اینست که شهریگری از پشته پهناور ایران به خوربران (غرب ، مغرب) و سرزمین های میان رودان (بین النهرین) رفته و سرچشمه آنها ایران بوده است .

بن مایه ها و نوشته های بدست آمده نشان دهنده اینست که ۶ نژاد گونه گون چون : سامی ها ، حامی ها ، سومری ها ، ایلامی ها ، هیت ها و آریین ها در سرزمین های خوربران کهن زندگی می کردند . سامی ها و حامی ها از نیمروز سرازیر شده ، سوریه و میان رودان و افریکای اباخری (شمالی) را بچیرگی خویش در آوردند . از اباخر (شمال) نیز هیت ها به جنبش در آمدند و با آنها بر سر سوریه بجنگ و کشمکش پرداختند . اینان در خورآیان با سوریها و ایلامی ها روبرو شدند و ایلامی ها که از خور آیان دور آمده بودند شهریگری بابلی ها را گرفتند و در کنار خورآیانی خورآیان کهن پراکنده شدند و آریانها از سوی اباخر اندک اندک به خورآیان روی آوردند و آن زمان که اینان در آسیای خوربرانی نیرو گرفتند همه خورآیان کهن را به پیشگامی مادها و سپس به نیرومندی پارسی ها زیر پرچم یک فرماندار یگانه (دولت واحد) در آوردند و برای نخستین بار شاهنشاهی (امپراطوری) هخامنشیان در جهان پایگزاری شد.

۲۳۰۰ سال (۲۳ سده) از زمان جدایی آریانها از تیره هند و اروپایی تا سده هفتم پیش از زاد روز مسیح و سرازیر شدن آنان بسوی پشته پهناوری که پس از آن نام ایران بخود گرفت ، گردو خاکی تیره بر تاریخ سرگذشت و شیوه زیست آریانها نشسته و پرده سیاهی بر روی آن کشیده شده و آشکار

ایران زمین

نیست که این تیره سخت کوش و پایدار در این درازا زمان چه می کرده و چگونه زیسته اند و تنها چنین آمده است که آنان از گاباره نشینی به یکجا نشینی و سپس دیه نشین و شهر نشین شدند ، سازمانهایی برای خود ، فرمدراری خود و همبودگاه (جامعه) خود پدید آوردند ، ازین درازا زمان تاریک و سربسته و نا آشکار (مبهم) یا دوران افسانه ای (اسطوره ای) یا دوران پیش از تاریخ چنین دریافت می شود که آراین ها ، دست کم پیرو چهار فرمدراری بوده اند : دو فرمدراری بر بنیاد داستانهای باستانی و ورجاوند شاهنامه فردوسی ، جمشیدی ها و فریدونی ها (دوره پیشدادیان) و دو فرمدار دیگر را ، فرمدار منوچهری ها و زابی ها (دوره کیانیان) می شناسند . دوران جمشیدیها بسیار باستانی و برخی را باور بر اینست که در پیوند با دورانی است که هنوز جدایی میان هند و اروپایی پیش نیامده و آراین های هند و اروپایی زیست یکجایی داشته و با هم بوده اند ، فریدونی ها را نیز می توان بهمین زمانها بشمار آورد ولی فرمدراری منوچهری ها و زابی ها در پیوند با دوره هایی است که آراین های ایرانی در پشته پهناور ایران مانا شده و از سوی مردمی که همان سکایی ها بوده باشند پیوسته در فشار و تاخت و تاز آنان بوده اند .

همانندی و سازگاری چهار فرمدراری جمشیدیان ، فریدونیان ، منوچهریان و زابیان ایران باستان یا دوره پیشدادیان و کیانیان با دوران مادها ، هخامنشیان ، اشکانیان و ساسانیان که کدام یک از دوره های باستانی با کدام یک از دوره های چهار خاندان بزرگ هماهنگ و سازگار بوده است کاری سترگ و بسیار دشوار ، نه اینکه در این زمینه و زمینه های بسیار دیگری

ایران زمین

، پیشینیان و بزرگان ما چیزی ننوشته و بجای نگذارده اند که همه آنچه را که نوشته و بجای گذارده ، همه نسک خانه های بزرگ و گسترده ، سنگ ها و نوشته های گرانبها و پر ارزش فرهنگی ، ادبی ، تاریخی ، فراهمی (اجتماعی) ، سیاسی ، اندازه داری (اقتصادی) ، دینی و دانشی و هرچه و هرچه که داشتیم تازیان یا به آتش و آب سپردند و یا به یغما و چپاول بردند ، آفرینندگان و نویسندگان آنها را یا از دم تیغ بی دریغ گذرانند و یا به بردگی و بندگی (اسیری) بردند و بازمانده ها را نیز تازی پرستان و تازی زادگان یا دستبرد زده و دستکاری کردند و یا با پیام رسانی های (تبلیغات) خود بنام اسلامی در آوردند . ازین رو بن مایه ها و نوشتارهایی از گذشتگان برای پژوهش بدست ما نرسیده و چنین است که ما از راستی های تاریخی گذشته بی بهره مانده ایم . با اینهمه اگر تاریخ آیین ها را از سده هفتم یا پایان سده هشتم پیش از پیدایش ترسایان بدانیم که می دانیم تاریخ آیین های ایرانی را می توان به چهار دوره بزرگ بخش کرد :

۱ - دوره کهن : از پایان سده هشتم پیش از پیدایش ترسایان تا نیمه سده هفتم ترسایی.

بگونه ای که می دانیم دوره های تاریخی ایران از پایان سده هشتم پیش از پیدایش ترسایان آغاز می شود و در سده نهم (پ . پ . ت) سه تیره : آیین ها: در خور بران (غرب) مادها ، در خور آیان (شرق) باکتری ها و در نیمروز (جنوب) پارسی ها، دودمان (ملوک الطوآیفی) پدید آوردند . و سپس خاندان پادشاهی چهارگانه مادها ، هخامنشیان ، اشکانیان ، ساسانیان در ایران .

ایران زمین

- ۲ - دوره میانه : از نیمه سده یکم تازی (- هجری) تا آغاز صفویه .
این دوره را می توان به دو بخش بزرگ در آورد : الف : تا پیدایش شورش مغولان . ب: از آمدن مغولان به ایران تا پایگزاری فرمداری صفویه .
- ۳ - دوره جدید : از دوره صفویه تا آغاز مشروطیت ایران .
- ۴ - دوره همزمان (معاصر) از آغاز مشروطیت تا آغاز شورش سال ۱۳۵۷ در ایران و پس از آن.
- در این نوشته سخن بیشتر در پیرامون دوره کهن یا آغاز هستی آیین ها در سرزمین ایران از پایان سده هشتم پیش از پیدایش ترسایان تا نیمه سده هفتم ترسائی است که آن نیز به پنج دوره جدا از هم بخش می شود :
- ۱ - دوره مادها : یا دوره برتری و والایی آیین های ایرانی در خور آیان کهن (- شرق قدیم) .
- ۲ - دوره هخامنشیان : دوره پیروزی و چیرگی آیین های ایرانی بر خور آیان کهن و سامان دادن فرمداری یگانه . این دو دوره رساگر یکدیگرند.
- ۳ - دوره مگدونی و مگدونیان : یا دوره برتری یونانیان و مگدونیان در ایران و خورآیان کهن .
- ۴ - دوران اشکانیان یا پارت ها : یا دوران واکنش های سیاسی .
- ۵ - دوره ساسانیان : دوران پیشرفت های سیاسی و شهریگری و دوره ی پیکارهای سخت دین ها ، اندیشه ها و باورهای وارداتی چون : سامی نژادها ، ترسایان بویژه ترسایان روم و بیزانس ، نستوریهها ، آرامی ها ، منو فیزیت ها ، ترسایان نستوری ، بودایی ها ، یهودی ها و موج نیرومندی از اندیشه ها و باورهای مصری ها ، فنیقی ها ، یونانی ها و اندیشه های فرزانی)

ایران زمین

فلسفی (یونانی ها ، رومی ها بویژه شیوه نو افلاتونی دانش های فرزانی و آیین های دینی که پس از اسکندر مگدونی (مگدونیان) همراه او بایران آورده بودند ، همه و همه بویژه در دوره ساسانیان از دروازه های آزادی دین و کیش و اندیشه های مذهبی در ایران ساسانی به کوشش و پوییش برخاستند و شگفت انگیزتر اینکه همه به آخشیش (ضد) دین راستین و در سان پیشرفت روز افزون زرتشی بودند که می رفت تا جهانگیر شود و چنانکه می دانیم در این زمان سرزمین پهناور ایران ساسانی میدان بزرگ برخورد دین ها ، باورها و آیین ها و کشمکشهای پایان ناپذیر اندیشه ها و باورهای وارداتی گونه گون بود که چون موریانه پایه های بنیادی آنها ساییدند و سرانجام این آیین پاک زرتشتی و زمزمه های آسمانی و دلنشین آنها باپدید آوردن نا باوری های ، دو دلی ها و گمان بریها آنها از پای در آوردند که انگیزه برجسته و پایانی شکست دوره ۴۰۰ ساله امپراطوری ساسانی ، شوربختی ، دربدریها و نابسامانیها و ویرانی و نابودی ایران و مردم ایران و پیروزی تازیان در ایران گردید . دانای بزرگوار توس فردوسی توسی سخنان زیبایی در این زمینه دارد . او می فرماید :

از آن روز دشمن بما چیره گشت که ما را روان و خرد تیره گشت
از آن روز این خانه ویرانه شد که نان آورش مرد بیگانه شد
چو ناکس بده کدخدایی کند کشاورز باید گدایی کند
چو دانش پژوهنده بیند زیان که بندد بدانش پژوهی میان
به یزدان که این کشور آباد بود همه جای مردان آزاد بود

ایران زمین

در این کشور آزادی ارج داشت کشاورز خود خانه و مرز داشت
گرامی بود آنکه بودی دبیر گرامی بد آنکس که بودی دلیر
نه دشمن برین بوم و برلانه داشت نه بیگانه جایی در این خانه داشت
کجا رفت آن دانش و هوش ما که شد مهر میهن فراموش ما
چه کردیم اینگونه گشتیم خوار خرد را بکنندیم اینسان
زکار

دوره ۱۴۰۰ ساله پیش از تازش تازیان و پیروزی آنان در ایران دوره سرافرازی ، سربلندی و ابر نیرومندی ایران و ایرانیان بوده است . بگذریم از شاهان چهارگانه مادها و فرمانروایی ۱۵۰ ساله آنان بگفته هردوت تاریخ نویس یونان ، فروپاشی فرماندار نیرومند آسوریها بدست هوخشتره یکی از شاهان نیرومند ماد، دوره رستاخیز و نیرومندی کورش بزرگ سر خاندان هخامنشی ، پیروزی وی بر اژدهاگ که بابلی ها او را « ریخ تو ویکو» و یونانی ها او را آستیاکس می گفتند ، فرو افتادن همدان پایتخت مادها بدست سپاهیان کورش و جابجا شدن (انتقال) پادشاهی از خاندان مادها به خاندان پارسی ها از همین زمان باشکوه ترین و درخشان ترین پیشرفت های فرهنگی ، دانشی و دینی و گسترش مرزهای ایران آغاز می گردد. بزرگترین و نامدارترین شاهان هخامنشی، کورش بزرگ ، داریوش یکم و خشایارشا را میتوان نام برد. ایران در این زمان و در دوران شاهان بزرگ هخامنشی، فرهنگ و شهریگری ارجمند و والایی را پایگزاری کرد که در جهان همانند نداشت ، سازمان سامان یافته ای را از خود پدید آورد که دیر زمانی در

ایران زمین

جهان نمونه برجسته برای پیروی مردم سرزمین های دیگر بشمار می رفت و با دو سده جنگ با همسایگان ، از ساختن کاخ های باشکوه و آبادانی کشور

دمی خود داری نمی کردند : (امیل بنوینیست **E - Benvenist**

زبانشناس فرانسوی ۱۹۷۲-۱۹۰۲ ترسایی) .

هخامنشیان نخستین کسانی بودند که با یگانگی جهان پیشرفته آنروز با

مردمی گونه گون زیر بینش سیاسی یگانه که در جهان آنروز پیشینه نداشت

و با پیوند فرهنگ پاردی (مادی) و باورهای دینی با فرهنگ مینوی (

معنوی) ، نخستین کسانی بودند که اندیشه ها و باورها را میان خور آیان

و خوربران (شرق و غرب) جابجا (مبادله) کرده و این دو جهان را با

شهرمانی (تمدن) آنها بهم نزدیک نمودند : (پروفیسور گیرشمن « **R-**

Ghirshman » باستانشناس فرانسوی در نسک خود بنام « ایران از

آغاز تا اسلام ») .

. . . دستورها و فرمانهای شاهی که چنین سرزمین پهناوری را کارگردانی و

رهبری می کرد نمی توانست یک پادشاه خودکامه و خودسر (مستبد)

ستمگر و ستم پرور باشد که از سوی یک شورای پادشاهی رهبری و رهنمایی

می شد . . . « رویه ۳۵ همان نوشته »

ایران پیوند شهریگری های گمراه کننده و فرو پاشیده دجله و فرات و شهرهای

نو بنیاد آتن و روم گردید و در میان تیره های آشوری ، بابلی و ایلامی که

سده ها پیش می زیستند ، فرهنگ و شهریگری نوی پایگزاری کرد که ما

امروز مانداک بر (وارث) آن هستیم و بدین سان ایران باستان انگیزه آن

گردید که نخش (نقش) پر دوامی در دگرگون کردن شهر نشینی آدمیان و

ایران زمین

گرایش آنان به پیشرفت ها ، رسایی و دادگری داشته باشد : (آلبرت شاندرور خاورشناس فرانسوی) .

مرزهای شاهنشاهی داریوش تا دریای اژه و خاک یونان گسترش داشته است ، پایداری و استواری چنین شاهنشاهی بزرگ و پر فرو شکوه زاینده شهریگری والایی بود که ایران در آن زمان از آن برخوردار بوده است و داریوش بزرگ نخستین فرمانروایی بود که نهادها و سازمانهای سیاسی بزرگ و استواری بنیاد نهاده بود که نمونه ای برای جهانیان آن زمان بود که تنها امپراطوری روم همانند آن بود (پروفسور رالف باستانشناس انگلیسی) .

هنرها و روش های کشاورزی ، دام داری ، توپال (فلز) کاری و بنیاد اندیشه های دینی و فرزانی (فلسفی) ، دانش شمار و ایاره (ریاضی) از سرزمین ایران آغاز گشت ، کاریز یا کنده آب یا آبراهه (قنات) از نو آوریهای (ابتکارات) سد در سد ایرانیانست و سالیان دراز پیش از پیدایش ترسیان در ایران از آبهای زیرزمینی بهره برداری می کردند : (پروفسور آرتور پوپ ایرانشناس آمریکایی) .

راههای کاروان رو که در سده های بسیاری از راه شناخته شده و پر آواز راه ابریشم میان چین و اروپا که از امپراتوری پهناور چین به کرانه های دریای مدیترانه هزاران سال پایدار بود ، ابریشم و سنگهای بهادار و دیگر کالاها را از خاور دور بسرزمین های اروپا می رسانید از راه ایران و از سرزمینهای

ایران زمین

ایرانی می گذشت و ایران جایگاه برخورد فرهنگها و شهریگریهای خور آیان و خوربران بوده است .

« . . . ایران یکی از کهن ترین کانونهای زراعت در جهان است ، حفاریهای باستانشناسی نشان می دهند که ایران در چهارمین هزاره قبل از میلاد مسیح واجد سطح عالی زراعت بوده است . در حفاریات یاد شده دانه های گندم و جو که پنج تا شش هزار سال از عمرشان می گذشت یافت شده است . بیشتر گیاهان و میوه های حوضه دریای مدیترانه و آسیای مقدم و میانه که اکنون می شناسیم در هزاره اول پیش از میلاد مسیح در ایران بعمل آمده است و کشت می شده از آن جمله است : هلو ، زردآلو ، انجیر ، انار ، گلابی ، موی انگور و نخل خرما . در جنوب باختری دره ی رود کارون درخت زیتون غرس و پرورش می شد . و در عهد ساسانیان به کشت نیشکر و برنج و دیگر گیاههای زراعتی پرداختند . . . » (تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم میلادی . نوشته پتروشفسکی و چهارتن دیگر . ترجمه : کریم کشاورز رویه ۶) .

بسیاری از گل ها و گیاهان از ایران به اروپا رفته و از آنهمه : گل لاله ، گل سرخ، گل سوسن یا سوسن آزاد ایرانی (زنبق) ، گل یاس و گل یاسمین را میتوان نام برد .

در ایران باستان فرسار (قانون) گزاری از آوازه بلندی برخوردار بوده است . داریوش بزرگ یکی از فرسا ر گزاران باستان زمان ایران بشمار می آید . وی آن زمان که از کشور گشایی آسوده می شد به نوشتن و نهستن (وضع) فرسارهای گونه گون برای سراسری کشور می پرداخت و فرسارهای داریوش

ایران زمین

زیرنگر (نظر) خود او و رای زنان نوشته می شد :

(اومستد « **A- T- Omestead** » خاور شناس آمریکایی آمریکایی در نوشته خود بنام : « **History of Persian Empire** » تاریخ امپراتوری ایران .) مینوسد.

« . . . داریوش قانونگزاری بود که قوانین او شاهنشاهی ایران را نگهبانی (حراست) می کرد . . . » از سخنان افلاتون .

فرسارهای استوار بر بنیاد دادگری و دادگستری به شاهان هخامنشی این توانایی را می داد که حوزه فرمانروایی آنان را در جهان پیشرفته آن زمان در بر گیرد و گسترده ترین شاهنشاهی را در جهان پدید آورد و این شاهنشاهی در آن زمان سرزمین میان رودان (بین النهرین) ، سوریه ، مصر ، خرده آسیا ، شهرها و آبخوست های یونان و بخشی از سرزمین های هند را در بر می گرفت ، استوارترین و پایدارترین سازمانها و نهادهای گسترده و سامان یافته ای ساماندهی و چرخاندن چنین سرزمین پهناور را بایسته بود . ساختار سازمانها و نهادهای کشوری حوزه فرمانروایی هخامنشیان بویژه در دوران داریوش بزرگ (۵۲۲ – ۴۸۶ پیش از پیدایش ترسایان) که با دل بستگی فراوان و خود به تنهایی همه کارها رسیدگی می کرد ، خنیده و بلند آوازه بوده و سیاست ویژه ای در هریک از کارها و رویدادها داشت . در باره مردم شکست خورده و از پای در آمده (مغلوب) در رسای دادگری پروانه (اجازه) می داد که آنان ، خویها (عادات) ، سنت ها ، ترادادها، زبان و فرهنگ ، فروزه و منش (خصایص) دینی و مردمی (ملی) کیشی (مذهب) پدران و نیاکان خود را نگهداری و پاس وری کنند و تنها یک

ایران زمین

کارگزار برای رسیدگی به کارها را بسنده می دانست .
سازمان بازرسی شاهنشاهی از نو آوریهای داریوش بزرگ است : (گیرشمن)

سازمان ارتشی داریوش بزرگ که از پارسی ها و جز پارسی ها سامان یافته بود از ویژگیهای نوینی برخوردار بود . کشتی سازی و کشتی رانی دوران داریوش از برنامه های ویژه ای برخوردار بود . راه های تجاری و بازرگانی ، بازیابی (اکتشاف) راه های جدید بویژه پی بردن و پیوند راه های بازرگانی میان سرزمین های گونه گون از اندیشه های داریوش بزرگ و یا سیاست دریایی و کشتیرانی وی بود .

پروفسور گیرشمن فرانسوی می گوید :

« . . . جای باش (محل) پیوستگی رود کابل و رود سند نزدیک شهر کسپاپیرس ، داریوش فرمود تا کشتی ها بسازند . . . تا گماردگان بتوانند از رود سند راه مصر را بیابند و این نخشه بزرگ و گسترده برای جستجو و پیدا کردن راههای دریایی برای پیوند بخش های خور آیانی به خوربرانی بوده است . . . »

کاویدن (حفر) آبراهه (ترعه) سوئز نیز نشانه ای از دل بستگی های داریوش بزرگ در پیوند راههای آبی و دریایی وبده وبستان و جابجایی فرهنگها و شهریهگرها در راه آسایش و آرامش جهانیان و پیشرفت دانش ها بوده است . در سنگنبشته های بدست آمده از همانجا داریوش شاه می گوید : « . . . من پارسی هستم ، از پارس مصر را گرفتم ، من فرمان کاویدن

ایران زمین

این آبراهه را دادم از رودخان های بنام نیل که در مصر روان است تا دریائی که به پارس می‌رود چنانکه فرمان دادم و کشتی ها از مصر از میان این آبراهه بسوی پارس روانه شدند » (پروفیسور گیرشمن) .

بر بنیاد آنچه گفته شد اگر : « مصریان در اندیشه ی مرگ بودند و به ساختن اهرام سه گانه (ثلاثه) پرداختند بر پایه آزادی اندیشه ها ، خویها ، سنت ها ، فروزه های دینی و کیشی دوران هخامنشیان بویژه داریوش بزرگ بود و ایرانیان در مصر ، میان دریای مدیترانه و دریای سرخ از راه رود نیل آبراهه ساختند و دو دریا را بهم پیوستند بی گمان از همان اندیشه تابناک داریوش در راه پیوند وجابجایی اندیشه ها و همگامی خواست ها و سیاست ها در راه پیشرفت فرهنگ ها و شهرمانیها و زیست بهتر و آسایش بیشتری برای مردم بوده است که کوتاهی از آن در این نوشته آورده شده است . ولی آیا براستی هیچگاه با خود اندیشیده ایم که رفتار و کردار شاهان بزرگ هخامنشی کورش و داریوش بزرگ بر بنیاد راستی ها و درستی ها بر سه ستون استوار و پایدار اندیشه نیک ، گفتار نیک و کردار نیک و شیوه داد و دادگری و رفتاری دادگرانه و نیک اندیشانه با مردم شکست خورده و بسیاری از اندیشه های والای مردم گرایی و مردم دوستی که شوند همبستگی و دلبستگی و کشش دلها ، پدید آورنده پیشرفتها ، گسترده‌گی های پاردی و منیوی ، درخشندگی فرهنگی ، سرافرازی و سر بلندی ، فرماندی . ارج و والایی در میان مردم جهان و از همه مهندتر توانایی و نیرومندی جهانی که او را در رده یکی از ابر نیروهای جهانی در آورده بود

ایران زمین

از کجا برخاسته و از چه جایی سر شادی و سرزندگی (نشأت) می گرفته است. بی گمان همه این پیشرفت ها و کاربرد های درون و برونمرزی چه دوره هخامنشیان و چه دودمان و شاهان پس از هخامنشیان از فرهنگ و شهرگیری استوار و ژرفایی برخوردار بوده که از آموزش و راهنمای های والا و پایداری سرچشمه می گرفته است و آن همانا راهنمایی ها و آموزش های خردمندان زرتشت بزرگ بر انگیزته راستین ایرانی بوده که در سخنان داریوش بزرگ در همه جا بویژه در سنگنبشته های بیستون چنین آمده است :

« . . . قانون من اینست که قوی ضعیف را نزند و نابود نسازد . . . »

و در بند ۱۳ از ستون چهارم همان سنگنبشته آمده است که :

« . . . از آن روی اهورامزدا مرا یاری کرد که بی پیمان (بی وفا) نبودم ، دروغگو نبودم ، دراز دست نبودم ، نه من و نه دودمانم ، همواره بر راستی و درستی رفتار کردم ، نه به ناتوان و نه به توانا زور نورزیدم . . . »

و در بالای نوشته سنگنبشته ها (کتیبه ها) در همه جا این فرازها بچشم می خورد که :

« . . . اهورا مزدا بمن شاهی داد . . . »

« اهورا مزدا مرا این پادشاهی داد . . . »

« . . . اهورا مزدا مرا یاری کرد . . . »

« . . . بیاری اهورا مزدا آن کار را انجام دادم . . . » و آن دیگری را انجام ندادم .

« . . . هرکاری که زیباست بیاری اهورا مزدا کردم . . . » و بسیاری از

ایران زمین

اینگونه فرازا

داریوش بزرگ در کوه بیستون دو سنگنبشته بزرگ و کوچک از خود بیادگار گذاشته است . در فراز این کوه آنجا که به شاهراه کرمانشاه نزدیک می شود بفرمان داریوش شاه سنگنبشته هایی بر پیشانی سنگهای کوه ساخته شده که بر فراز سنگنبشته بیستون ، فرتور (تصویر) داریوش بزرگ و بر فراز سرش نماد فروهر کنده کاری (نقره) شده است دیده می شود که همه اینها نشانه برجسته و آشکار باور آنان به آموزش و راهنمایی های اشو زرتشت و آیین دین بهی و جهانی وی بوده است .

کوتاه سخن : شاهان هخامنشی هست و نیست و هرگونه پیروزی و شکست ، فرود و فراز زیست تنی و همگانی خود و همبودگاه خود را بر بنیاد آموزشها و راهنمایی زرتشت پاک از اهورامزدا می دانستند و با یاری راستین و پاکدلانه از آن پیروی و بدانهارفتار می کردند و براستی همه چیزشان بر آمده از آموزشهای زرتشت و اندیشه های خرد گرانه آن پاک مرد آریایی بوده است .

از درون اندیشه آنان و بفرموده بینشمندی (عارفی) سوخته جان و عاشقی بی سرو سامان ، باباطاهر عریان همدانی است که می فرماید :

به صحرا بنگرم صحرا ته و نیم به دریا بنگرم دریا ته
و نیم
بهرجا بنگرم کوه و درو دشت نشان از قامت رعنا ته
و نیم

ایران زمین

و یا چنانکه سعدی می فرماید :

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم وز هرچه گفته ایم و شنیدیم و
خوانده ایم
مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اول وصف تو
مانده ایم

خرد گرا و اندیشمندی که باید از نو شناخت و با آموزش ها و سخنان
گهربار او آشنایی پیدا کرد .

دکتر خانک عشقی

صنعتی

این نوشته از نسکها و نوشته های زیر برخوردار بوده است :

- ۱ - تاریخ ایران باستان دفتر یکم نوشته : حسن پرنیا (- مشیرالدوله) .
- ۲ - تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم . پتروشفسکی و دیگران . ترجمه : کریم کشاورز چاپ چهارم سال ۱۳۵۴ .
- ۳ - اندیشه های فلسفی ایرانی پرتو اعظم سال ۱۹۸۸ .
- ۴ - سیری در تاریخ ده هزارساله ایران نوشته : محمد بطحایی چاپ لندن .
- ۵ - زرتشت اولین پیغمبر ایرانی و رهبر جهان معنی دفتر یکم نوشته : محمد بطحایی چاپ بمبی .
- ۶ - زرتشت مزدیسنا و حکومت مهندس جلال الدین آشتیانی فروردین ۱۳۶۳ - آوریل ۱۹۸۴ مونیخ .
- ۷ - مهنامه اندیشه ایران شماره ۵ و ۶ ۱۹۸۲ چاپ آلمان .
- ۸ - ایران در گذشته و حال نوشته : اشرف احمدی - بشایستگی سال برگزاری جشن دو هزارو پنجمین سال بنیادگزاری شاهنشاهی ایران
- ۹ - پژوهشی در فرهنگ باستانی و شناخت اوستا (- دومین همایش ۷ تا ۱۱ اکتبر ۱۹۷۷ امسفورت هلند) . در دو دفتر ۱۰ -

ایران زمین

پژوهشی در فرهنگ باستانی و شناخت اوستا (- سومین همایش در دانشگاه هامبورگ - آلمان در سه دفتر .
چاپ دوم کینهاگ ۱۹۴۴

- 1) Christensen Arthur - L Iran sous les Sassanides
- 2) History of the Persian Empire - A - T - Omestead -

۱۱ - جهان بینی ایرانی - دفتر یکم : جهان بینی کهن ایرانی برپایه سرودهای گات ها - نوشته : دکتر هوشنگ مهرگان - دانشگاه تبریز
۱۲ - برگردان گات ها . موید رستم شهزادی چاپ یکم از پراکندگی های فردوس سال ۱۳۷۷ تهران ایران.